

از چند قدمی یک تیمارستان
چارلز بوکفسکی

مجموعه: سپیده خداکرمی

شعر ترجمه

چاپ اول - ۱۳۹۷

فهرست

۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	جهان من پیش از ایدز.....
۱۴.....	شعر.....
۱۵.....	یادبوده شام در ۱۹۳۳.....
۲۰.....	مهرمخت.....
۲۴.....	خبررات.....
۲۶.....	انتظار.....
۳۰.....	آن صبح ی کذاب.....
۳۳.....	کارواش.....
۳۵.....	همای سعادت.....
۳۹.....	مسابقات شعر.....
۴۲.....	صلح.....
۴۵.....	پرنده ی آبی.....
۴۹.....	به عمر طولانی چیزی بیشتر از روزگار.....
۵۱.....	مرگ.....
۵۲.....	نسخه های بدلی.....
۵۴.....	نایفه.....
۵۸.....	شاعری در نیویورک.....
۶۰.....	کساد.....
.....	این.....
.....	حالا.....
.....	اشتباهی.....
۷۲.....	اعتراف.....
۷۵.....	مالباخته.....
۷۸.....	نویسنده.....
۸۴.....	وضع ما بهتر از آن هاست.....
۸۷.....	باور کن!.....
۸۹.....	تباهی با اولین نفس.....

۹۳	الویس نمی میرد.....
۹۶	دوستم در پارکینگ اسپریس.....
۹۸	هی تو، ببین چی می گم.....
۱۰۱	جرقه.....
۱۰۴	علم چهره خوانی.....
۱۰۹	پیروزی.....
۱۱۰	ادوارد اسپیراجا.....
۱۱۳	سرگردان در قفس.....
۱۲۱	گله‌ی سگ‌ها.....
۱۲۳	...آل و جواب.....
۱۲۵	نامه روانندگان.....
۱۲۸	مهر کن! : خنده روده‌بر می شوی.....
۱۳۰	آخر.....
۱۳۴	صفر.....
۱۳۷	کور در قضا.....
۱۴۰	سر پستت بمان و منظر باس.....
۱۴۳	در این دوران.....
۱۴۶	بیلی «جنوب شهری».....
۱۴۹	شمارش معکوس.....
۱۵۱	بیمار.....

پیشگفتار

کتاب پیش رو مجموعه‌ای است شامل ترجمه‌ی چهل و شش شعر از اشعار کتاب آخرین شب از اشعار زمین^۱، اثر چارلز بوکفسکی، شاعر و نویسنده‌ی محبوب آمریکایی که در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است. اشعاری به مضامین درونی، اجتماعی و روزمره درباره‌ی خود او و انسان‌هایی که دیگران و اجتماع کمتر به آن‌ها توجه کرده‌اند. بوکفسکی تظاهر نمی‌کند با زبان بی‌پرده و لحن خاصش از خود و مردم پیرامونش می‌نویسد، از رویاهای به ذلت کشیده شده، از رنج آدمی، از مرگ و از زندگی. نتوان ز ادبی اشعار او را به خاطر محتوا و فرم خاصش، شایسته‌ی شعر نامید و نمی‌دانند و خوانندگان او را به سطحی‌نگری متهم می‌کنند. شاید برای خوانندگان اشعار بوکفسکی باید عینک دیگری بر چشم زد و خود را به دریایی مهای عمیق پنهان در لفاف سادگی بی‌بدیل کارهای او سپرد تا مخاطبانش را به درستی درک کرد. تاکنون میلیون‌ها نسخه از آثار او در آمریکا و در بسیاری به فروش رسیده و به ده‌ها زبان ترجمه شده است. این در حالی است که بسیاری از خوانندگان اشعار او به این نکته اذعان کرده‌اند که اصولاً علاقه‌ای به شعر ندارند اما حداقل با یکی از اشعارش تا حدی احساس نزدیکی کرده‌اند که گویی بوکفسکی، خود آن‌هاست و از زبان ایشان سخن می‌گوید؛ تجربه‌ای آشنا برای بسیاری از خوانندگان فارسی آثار

وی، که با پیشینه‌ی غنی اشعار کلاسیک و معاصر فارسی به سراغ آثار او آمده‌اند.

مسئله‌ی مهم پیش روی ترجمه‌ی این کتاب تصمیم‌گیری درباره‌ی انتخاب لحن و رسم‌الخط فارسی آن بود. پس از بررسی دقیق این کتاب به این نتیجه رسیدیم که در ترجمه‌ی برخی اشعار از لحن عامیانه و شکسته‌نویسی استفاده کنیم و در مواردی که لحن و نگارش نویسنده به زبان معیار نزدیک‌تر بود ما نیز به رسم‌الخط معمول فارسی متعهد باشیم. بدین ترتیب، شاعر در انتخاب هر کدام از روش‌ها برای نوشتن، از چشم خواننده، فارسی‌زبان پنهان نماند. با این وجود پیشنهاد می‌شود در خوانش شعاری از این کتاب که لحن عامیانه‌تری دارد بر شکسته‌خوانی تکیه کنید، حتی اگر اصولاً رسم‌الخط فارسی در برخی کلمات، حذف پاره‌ای حروف را به آن سی‌داسته است.

در پایان لازم می‌دانم سپاس خرددانی خود را نثار تمام دوستانی کنم که ترجمه‌ی این کتاب بدون حمایت ایشان ممکن نبود: الیا طالبی، عظیم جابری و ابراهیم میرمالک که با مهر و صبر خرد جلوه‌ی دیگری به کار بخشیدند.

کتاب را به مهتاب و رضا تقدیم می‌کنم.